

## تبیین مرجع‌انگاری جامعه بین‌الملل و جامعه جهانی برای کنش‌گران

### معترض در نظام بین‌الملل



نگارنده: علیرضا انصاری کارگر\*

#### چکیده

امروزه تعاملات و ارزش‌های مشترک اعضای جامعه بین‌الملل بر اهداف و رویه‌های سایر اعضا تأثیرگذار است. همه کنش‌گران یا اعضای جامعه ممکن است از سیستم سلطه یا حاکمیت ارزش‌ها، راضی نباشند؛ بر همین اساس تلاش ورزیده‌اند تا نسبت به آنچه هست رویکرد اعتراضی داشته باشند. این تحقیق با هدف تفکیک بین ارزش‌های جامعه جهانی و جامعه بین‌الملل به‌عنوان مراجع رسیده‌گی به نارضایتی کنش‌گران دولتی و غیردولتی، تدوین گردیده است. کنش‌گران برای ابراز خواست‌های خود از ابزارهای جامعه بین‌الملل و جامعه جهانی استفاده کرده‌اند. پرسش اصلی این‌جاست که تفاوت بنیادی و عینی بین جامعه بین‌الملل و جامعه جهانی از لحاظ مفهومی به‌عنوان مرجع برای کنش‌گران نارضی چیست؟ روش تحقیق کنونی به صورت مقایسه‌وی و با ابزار کتاب‌خانه‌یی، مقالات مجلات معتبر علمی انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان داده اند که: کنش‌گران غیر دولتی برای این‌که بتوانند بر سیاست‌های دولت‌ها تأثیر بگذارند، ترجیحاً جامعه جهانی را مخاطب قرار داده‌اند؛ چون جامعه جهانی همانند افکار عمومی جهانی نقش ایفا کرده است. کنش‌گران دولتی نارضی با مخاطب‌قراردادن جامعه بین‌الملل به اهداف سیاسی خود نزدیک‌تر شده و جلب رضایت و توجه اعضای جامعه بین‌الملل برای دولت‌ها به مراتب سودمندتر از جامعه جهانی است.

**واژه‌گان کلیدی:** جامعه جهانی، جامعه بین‌الملل، کنش‌گران، عدالت، نظم،

مسئولیت.

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Ghalib

Received: 04/ 05/ 2023

Accepted: 08/ 09/ 2023

OPEN ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.12.I.3.11>

PP: 165-181

## Explaining the Reference of the International Community and Global Society for Protests in the International System

Author: Alireza Ansary Kargar \*

### Abstract

Today, the interactions and common values of the members of the international community influence the goals and procedures of other members. All actors or members of the society may not be satisfied with the system of dominance or governance of values; on this basis, they have tried to protest against what is. This research has been compiled with the aim of distinguishing between the values of the world community and the international community as sources of reaching the dissatisfaction of - governmental and non-governmental activists. Activists have used the tools of the international community and the world community to express their wishes. The main question here is what is the fundamental and objective difference between the international community and the global community conceptually as a reference for dissatisfied activists? The current research method has been done in a comparative way and with library tools, articles from valuable scientific journals. The findings of the research have shown that: non-governmental actors have preferably addressed the international community in order to be able to influence government policies; because the global community has played a role as well as global public opinion. Dissatisfied government activists are getting closer to their political goals by addressing the international community, and gaining the satisfaction and attention of the members of the international community is far more beneficial for governments than the international community.

**Keywords:** Global Society, international community, activists, justice, order, responsibility.

\* Faculty of Law and Political Science, Jami University, Herat, Afghanistan (alirezaansary@yahoo.com)



## ۱. مقدمه

دولت‌ها یا واحدهای سیاسی‌یی که از منظر ریالیزم به‌عنوان بازیگران اصلی قلم‌داد می‌گردند، نقش بسیار مهمی در ایجاد هنجارهای بین‌المللی دارند؛ گرچه دولت‌ها امروزه در ده‌کده جهانی به‌سر می‌برند، هر کنش و واکنشی، پی‌پدیدار برای سایرین به‌هم‌راه دارد. پذیرش این‌که، دولت‌ها تنها بازیگران اصلی نیستند؛ بل که فقط یکی از بازیگران هستند، چرخش بسیار مهمی در فهم روابط بین‌الملل محسوب می‌شود؛ البته جدل بین این‌که کدام اصل و کدام تابع است، هنوز پایان نیافته و شاید هم پایان‌ناپذیر شود.

شنیده‌ایم و خوانده‌ایم که غالباً بازیگران غیردولتی (افراد، سازمان‌ها، نهادها، اقلیت‌ها، جنبش‌ها ...) به‌منظور دسترسی به اهداف و هنجارهای خود هم‌واره در صدد مخاطبان فرادولتی هستند، که به‌عنوان نشانی یا مرجع قلم‌داد شوند و حتا حکومت‌ها \_ دولت‌ها \_ برای این‌که اعتراض خود را نسبت به نامالیقات و سیاست‌های «یک‌بام و دو هوا»ی برخی از واحدها ابراز دارند، در جست‌وجوی «مرجع» برای ابراز هستند؛ چون این بازیگران \_ کنش‌گران \_ هم‌واره عده‌یی را پیش‌رو و طلابه‌دار نظم جهانی می‌دانند؛ گرچه جهان کنونی به‌صورت «اندام‌وار»<sup>۱</sup> است، که هر کنش و واکنش، بسترساز سایر تحولات می‌گردد؛ ولی هم‌واره مراجعی وجود دارند که دولت‌های آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر و بازیگران غیردولتی فروملی (داخلی) آن‌ها را به‌عنوان دادرس حساب می‌کنند.

اهمیت و ضرورت موضوع زمانی پدیدار می‌گردد، که نیروهای دادخواه و معترض (بازیگران دولتی و غیردولتی) بیش‌تر به‌جای جامعه بین‌الملل، جامعه جهانی را مخاطب قرار می‌دهند؛ درحالی‌که جامعه جهانی بیش‌تر یک مفهوم انتزاعی و فاقد عینیت‌یافته‌گی در سیاست بین‌الملل است. عدم هارمونی<sup>۲</sup> (سازگاری اجزا با یک‌دیگر) بین خواست معترضان و توان‌مندی دادرسان باعث شده که هنجارهای انسانی‌یی که در چهارچوب مکتب جامعه بین‌الملل<sup>۳</sup> تبلور یافته به دست بازیگران نظام بین‌المللی (سیستم دولت‌ها) به حاشیه رانده شود. عدم شناخت نسبت به مفاهیمی چون جامعه بین‌الملل، نظام بین‌الملل<sup>۴</sup> و جامعه جهانی<sup>۵</sup> سبب‌ساز التقاط در گفت‌مان‌های سیاسی و بیانیه‌های سیاسی اعتراضی شده است.

در مورد پیشینه تحقیق باید گفت که: نویسندگان زیادی در باب جامعه بین‌الملل و جامعه جهانی نوشته‌اند؛ زیرا «جامعه بین‌الملل» امروزه یکی از ره‌یافته‌های سنتی در علم روابط بین‌الملل است؛ بنابراین، تیوری‌پردازان دانش سیاسی از تبیین و تشریح این مفاهیم غافل‌نمانده‌اند؛ به‌عنوان مثال،

1. Organic

2. Harmony

3. International community

4. International system

5. Global society

آقای عبدالعلی قوام، مقاله‌ی دارد، تحت عنوان «تحلیل سیاست بین‌الملل در چهارچوب روی‌کرد جامعه بین‌المللی»، ایشان در مقاله به مقوله جامعه بین‌الملل به‌عنوان یکی از ره‌یافته‌های قدیمی علم روابط بین‌الملل اشاره کرده است؛ یا نویسنده‌گانی چون رابرت جکسون و گئوریک سورنسون در کتاب «درآمدی بر روابط بین‌الملل» هم فصلی را اختصاص داده است به مفهوم جامعه بین‌الملل، که بیش‌تر بر نظریه‌پردازان، ارزش‌های موجود در نظریه و این‌که این نظریه را در مقابل ریالیسم تبیین شده، پرداخته است؛ برعلاوه، هانس کونگ در اثر خود «اخلاق جهانی به مثابه بنیانی برای جامعه جهانی» را در چهارچوب پرسش‌های معرفتی و فلسفی مورد واکاوی قرار داده است؛ هم‌چنین می‌توان به مقاله «جامعه‌پذیری دولت در نظریه‌های روابط بین‌الملل»، از آقای غلام علی چگنی‌زاده هم اشاره کرد. هر یک از نویسندگان براساس قریحه و حوزه تخصص خود نسبت به مفاهیم جامعه بین‌الملل و جامعه جهانی اشاره کرده‌اند؛ ولی می‌توان گفت کم‌تر کسی این دو موضوع را به‌صورت نظام‌مند و مبسوط به‌عنوان مرجع اعتراض کنش‌گران مورد تبیین قرار داده است.

مهم‌ترین هدف این مقاله، تبیین مفهوم جامعه بین‌الملل و جامعه جهانی است؛ تا نیروهای اجتماعی فروملی (جنبش‌های حقوق زنان، اقلیت‌های مذهبی، فعالان محیط زیست، مدافعان حقوق بشر...) و برخی از حکومت‌های تازه‌به‌قدرت‌رسیده برای این‌که به خواست‌های جهانی خود نایل شوند، بتوانند مرجع‌شنونده را درست‌تر تشخیص دهند و برای نیل به اهداف خود کنش‌گفتاری<sup>۱</sup> را سبب گردند- مادامی‌که آدرس‌ها اشتباه بیان گردد، خواسته‌ها هم تحقق عینی نمی‌یابد.

نوآوری تحقیق در این است که بین مفاهیم جامعه بین‌الملل و جامعه جهانی تفکیک قائل شده‌ایم. کنش‌گرانی که نسبت به وضعیت موجود حس تعلق ندارند، تلاش می‌کنند تا صدای اعتراض خود را به مرجعی برسانند. نظام بین‌المللی آکنده است از ارزش‌هایی که توسط قدرت‌های بزرگ کنترل و نظارت می‌شوند؛ پس نگاه متفاوت نسبت به مفاهیم جامعه جهانی و جامعه بین‌الملل از جمله نوآوری‌های این تحقیق می‌تواند محسوب شود.

پرسش این‌جاست که تفاوت بنیادی و عینی بین جامعه بین‌المللی و جامعه جهانی از لحاظ مفهومی چیست؟ آیا هر یک از آن‌ها می‌توانند برای بازیگران دولتی و غیردولتی معترض، نشانی مناسبی باشند، کدام یک از این مراجع از توان‌مندی عینی و مؤثری برخوردار هستند؟

فرض ما براین استوار است که جامعه جهانی یک مفهوم انتزاعی<sup>۲</sup> و کم‌تر عینی است؛ درحالی‌که جامعه بین‌الملل می‌تواند مصداقی از گروه‌بندی‌های دولتی باشد، که تا حدودی در عرصه جهانی فعالیت و توان‌مندی ملموس‌تری دارند و ظاهراً جامعه بین‌الملل در نظام بین‌المللی از کارایی

<sup>۱</sup>. عملی که در نتیجه یک گفته عمدی رخ می‌دهد.

بیش تری برخوردار است. تصور می‌شود که بنیان‌گذاران جامعه بین‌الملل بیش تر قدرتهای بزرگ استند.

نگاه این پژوهش تطبیقی - مقایسه‌وی است، بین دو مقوله «جامعه بین‌الملل» و «جامعه جهانی»، که با استفاده از ابزار کتابخانه‌یی، مقالات علمی، مجله‌های علمی و سایت‌های معتبر در نظر گرفته شده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که: جامعه جهانی و جامعه بین‌الملل هر یک ارزش‌های خاص خود را دارند و کنش‌گران سیاسی (واحد‌های سیاسی) تلاش می‌کنند بیش تر توجه جامعه بین‌الملل را به درخواست‌های سیاسی جلب کنند؛ ولی کنش‌گران غیردولتی (جنبش‌های مدنی) سعی می‌ورزند از طریق بسیج جامعه جهانی به‌عنوان ابزار فشار مقابل سیاست دولت‌ها به خواست‌ها و اهداف خود نزدیک شوند.

## ۲. تبارشناسی مفهوم جامعه بین‌الملل و جامعه جهانی

پیش از واردشدن به اصل موضوع، لازم است نظام بین‌المللی تعریف شود؛ زیرا کارگذاران جامعه بین‌الملل و جامعه جهانی در یک سیستم (نظام - محیط) به سر می‌برند. «نظام بین‌المللی محیطی است که در آن، واحد‌های سیاست بین‌الملل عمل می‌کنند؛ طوری که رفتارها، جهت‌گیری‌ها، نیت و خواسته‌های واحد‌های مزبور از نظام بین‌المللی تأثیر می‌پذیرد» (قوام، ۱۳۸۹: ۲۹). به تعبیر هدلی بودل<sup>۱</sup>: «نظام دولت‌ها یا نظام بین‌الملل، زمانی شکل می‌گیرد که دو یا چند کشور ارتباطات کافی بین هم برقرار کنند و بر تصمیمات یک‌دیگر تأثیر کافی بگذارند. رفتار هر کدام از طرفین، عامل اصلی در محاسبات طرف دیگر است» (به نقل از: جسکون، ۱۳۹۰: ۱۸۴). با توجه به این دو دیدگاه، می‌توان چنین استنباط کرد که تبارشناسی جامعه بین‌الملل و جامعه جهانی، ریشه در روابط بین واحد‌های سیاسی دارد، که در یک نظام بین‌المللی<sup>۲</sup> به سر می‌برند.

ازلحاظ مفهومی و معرفتی‌شناسی یا شناخت‌شناسی، جامعه بین‌الملل در حقیقت اعتراضی است در برابر مفهوم «دترمینیزم<sup>۳</sup> ساختاری» کنت والتز؛ زیرا وی معتقد بود که رفتار بازیگران در سیاست بین‌الملل محصول ساختار نظام بین‌الملل است، نه میل و اراده بازیگران. اقتدارگریزی<sup>۴</sup> واحد‌های سیاسی منفعت‌طلب، سیستمی را به وجود آورده که بین دولت‌ها فقط براساس منافع، هم‌گرایی شکل می‌گیرد، نه بیش تر از آن. این باور، در حقیقت نگاهی «از کل به جزء» به روابط بین‌الملل است.

1. Hedly Bull

2. International system

3. Determinism

4. Anarchy

جامعه‌گرایان تلاش می‌کنند از روابط بین‌الملل تبیینی «جزء به کل» ارائه دهند؛ یعنی این‌که از فرد شروع و به سیستم ختم گردد، با این نگاه، جای‌گاه افراد به‌عنوان موجود انسانی و دولت‌ها به‌عنوان کارگزاران و نیروی محرک سیستم بین‌المللی تثبیت می‌شود؛ لیکن باورمندان به دترمینیسم ساختاری به نقش آن‌ها توجه نمی‌کنند، «نظریه روابط بین‌الملل باید با هدف تبیین و نه شناخت از کل به جزء حرکت کند» (لینکلتر، ۱۳۸۷: ۳۲). با توجه به تفاوت معرفتی نسبت به نقش دولت و فرد می‌توان جامعه بین‌الملل را به تعبیر هدلی بول، این‌گونه تعریف کرد: «جامعه کشورهای یا جامعه بین‌الملل وقتی وجود دارد که یک گروه از دولت‌ها آگاه از منافع و ارزش‌های مشترک و خاص خود، جامعه‌یی را تشکیل می‌دهند، که در قالب آن خود را ملزم به یک سری قوانین مشترک حاکم بر روابط یک‌دیگر بدانند و جهت هم‌کاری با یک‌دیگر یک‌سری نهادهای مشترک داشته باشند» (به‌نقل از: جسکون، ۱۳۹۰: ۱۸۴).

نگرش به جامعه جهانی<sup>۱</sup> به‌عنوان یک برساخت مفهومی در مکتب جامعه بین‌المللی، را باید یک نگاه کلی‌تر و وسیع‌تر نسبت به روابط بین دولت‌ها دانست؛ منظور از نگاه وسیع‌تر، نگاه فرادولتی نسبت به وظایف بشری می‌باشد. ره‌یافت یا روی‌کرد جامعه جهانی، سطح مسؤولیت را بشردوستانه، مسؤولیت در برابر انسان‌ها در هرجا (مسؤولیت در برابر چه کسی؟) و مسؤولیت در برابر حقوق بشر (مسؤولیت در برابر چه چیزی؟) را عمده‌ترین هدف خود تعریف کرده است. براساس این ره‌یافت هدل بول در تبیین نظم جهانی که هم‌زاد با مسأله مسؤولیت بشردوستانه است، چنین باور دارد «بنیادی‌ترین و آغازی‌ترین مسؤولیت در قبال بشر است؛ زیرا واحدهای نهایی این جامعه بزرگ بشری، نه دولت‌ها، بل که فرد انسان‌ها هستند» (گریفتس، ۱۳۹۶: ۳۱۸)؛ لیکن این باورها را پیش‌تر می‌توان اخلاقی و ارزشی قلم‌داد کرد؛ درحالی‌که سیاست بین‌الملل زاده‌شده رفتارگرایی عینی و مبتنی بر منافع ملی هر دولت است.

اخلاق‌گرایی جهانی به‌عنوان شالوده جامعه جهانی هنوز به‌صورت دقیق، تبلور و مورد‌سازی قرار نگرفته؛ بل که هنوز در ایماژهای سازه‌انگاری باقی مانده است؛ اما این‌که چرا جامعه جهانی پیش‌تر به بشر به‌عنوان موجود انسانی نگاه خاصی دارد باید در نگاه به موضوعیت «اخلاق» دید. اخلاق فراتر از آن چیزی است که گفت‌مان‌های خاص آن را برای دیگران معرفی می‌کند. اخلاق هم می‌تواند فرهنگی باشد و هم منطقه‌یی؛ باوجود تمام تفاوت‌های زنده‌گی بشر، هنوز در یک موضوع توافق نظر وجود دارد و این‌که «ما بشر هستیم»؛ هانس کونگ، معتقد است که: «به‌هرحال، انسان‌ها به‌رغم تفاوت‌های متنوع و پیچیده ملی، فرهنگی و دینی، همه‌گی در انسان‌بودن اشتراک دارند» (۱۳۹۹: ۱۱۸).

1. Global society

### ۳. خاستگاه و ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌الملل و جامعه جهانی

جامعه‌پذیری دولت‌ها در نظام بین‌الملل، یکی از عمده‌ترین مباحث در حوزه سیاست بین‌الملل است. برداشتی که از مفهوم جامعه‌پذیری وجود دارد، بیش‌تر متکی به موضوع «قرارداد اجتماعی» و شکل‌گیری «جامعه مدنی» در فلسفه سیاسی است؛ به صورت کل، نگرشی که نسبت به جامعه بین‌الملل وجود دارد، با این پیش‌فرض قابل تبیین است، که دولت‌ها همانند انسان‌ها دارای جامعه مشترکی هستند که در آن قوانین و اصول پذیرفته شده حاکم است و هر دولتی در این جامعه براساس قراردادی که بین کنش‌گران بین‌المللی وجود دارد، می‌تواند منافع خود را پی‌گیری نمایند. در جامعه بین‌الملل، رفتارهای هر دولت بر دولت دیگر تأثیرگذار و تأثیرپذیر است.

جامعه بین‌الملل با اتکا به مفهوم قرارداد اجتماعی در فلسفه سیاسی تبیین می‌گردد. مکتب قرارداد اجتماعی وضعیت بشر را به دو وضعیت: طبیعی (پیشاجتماعی) و مدنی (پساجتماعی)، تعریف می‌کند؛ «در این‌جا نوعی شرکت به وجود آورده‌ایم که با نیرو و تلاش همه‌گانی، منافع گروه حفظ و صیانت می‌شود؛ هر کدام از این شریکان درحالی که به دیگری وابسته هستند؛ اما به غیر از خود از کس دیگری اطاعت نمی‌کنند و هم چنان آزاد اند» (روسو، ۱۳۹۰: ۳۷)؛ البته توماس هابس، جان لاک و ژان ژاک روسو، هر یک تعبیر خاص خود را نسبت به وضعیت طبیعی و وضعیت سیاسی دارند؛ ولی آنچه در همه مشترک است، وجود چنین قراردادی است، که بشر را از وضعیت طبیعی به وضعیت سیاسی (مدنی) تغییر داده؛ گرچه پیش‌گزاره‌های مشترک نتیجه مشابهی را نمی‌دهد؛ زیرا هر یک از نظریه‌پردازان وضعیت طبیعی را با توجه به نوعیت سیاسی که شکل گرفته است تشریح کرده‌اند. در واقع تحلیل رفتارهای دولت‌ها براساس رفتارهای انسان در وضعیت طبیعی مقایسه می‌شود «نظریه‌پردازان قرارداد اجتماعی رفتار دولت‌ها را در جهان با رفتار انسان‌ها در وضعیت طبیعی مقایسه می‌کنند» (والتر، ۱۳۹۸: ۱۹۲).

جامعه‌پذیری که یکی از مفاهیم اساسی در علوم اجتماعی است، مبتنی بر این فرض است که جامعه به‌طور موفقیت‌آمیز افراد را وادار به پیروی و هم‌آهنگی با ضروریات جامعه می‌سازد؛ زیرا جامعه‌پذیری همانند نیرویی مسلط متصور است، که از طریق آن افراد رفتارهای خود را با توجه به فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی دگرگون می‌کنند؛ البته جامعه‌پذیری هم در روان‌شناسی جای‌گاه خاصی دارد و براساس این ره‌یافت، آن فرایندی می‌داند که افراد به طور آگاهانه و ناآگاهانه خود را با هنجاری‌هایی که در جامعه وجود دارد و خودش هم به‌عنوان یکی از اعضای جامعه است، تطبیق می‌دهد.

با نگاه استقرایی، جامعه‌پذیری در عرصه روابط بین‌الملل هم قابل مشاهده است و محققان این عرصه با وام‌گیری مفهوم جامعه‌پذیری از علوم اجتماعی به بررسی تأثیرات ارتباط بین دولت‌ها و

تعامل دولت‌ها با جامعه بین‌الملل پرداختند؛ لیکن برخی از نظریات همانند خردگرایی (رتالیزم) نسبت به جامعه‌پذیری دولت‌ها نگاه منفی دارند و آن را فقط ابزاری برای تحمیل و تطبیق ارزش‌های قدرت‌های بزرگ می‌پندارند. «از نظر واقع‌گرایی جامعه‌پذیری به معنای پذیرش یا اشاعه ارزش‌های مشترک نیست؛ بل که به معنای تحمیل مجموعه‌یی از ارزش‌ها به وسیله دولت‌ها بر سایرین است» (چگنی‌زاده و پور آخوندی، ۱۳۹۳: ۱۳۹).

«مکتب انگلیسی<sup>۱</sup> (جامعه بین‌الملل) به مجموعه آثار و نویسنده‌گانی اشاره دارد، که در برداشت از روابط بین‌الملل آن‌را، فراتر از یک نظام بین‌الملل، جامعه‌یی مرکب از دولت‌ها<sup>۲</sup> می‌دانند و قائل به اهمیت اهداف، قواعد، نهادها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک آن‌اند» (مشیرزاده، ۱۳۹۳: ۱۳۷). جامعه بین‌الملل به‌عنوان یک تیوری، ارزش‌های پایه‌یی خاصی چون نظم، عدالت، حاکمیت دولت و حقوق بشر را در درون خود بنیان نهاده است و با اساس‌گذاری آن‌ها یک نگاه متفاوت به جهان دارد.

#### ۴. ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌الملل

##### ۴-۱. نظم و عدالت

مهم‌ترین و اصلی‌ترین بنیان جامعه بین‌الملل، نظم و عدالت است. کسانی چون هدلی بول، مارتین وایت، جان وینسنت، دیوید کمبل و باری بوزان، از جمله مشهورترین تیوری‌پردازان این مکتب قلم‌داد می‌شوند. نظم بین‌الملل و عدالت بین‌الملل در این بینش (جامعه بین‌الملل) از اهمیت بیشتری برخوردار است، «منظور بول از نظم بین‌الملل الگو یا طرح فعالیت بین‌المللی است، که اهداف اصلی جامعه دولت‌ها را تقویت می‌سازد. منظور او از عدالت بین‌الملل قواعد اخلاقی هستند که حقوق و وظایفی را بر دولت‌ها و ملت‌ها اعطا می‌کنند؛ مانند حق تعیین سرنوشت، حق عدم مداخله و این حق که با تمامی دولت‌ها براساس یک‌سان با همه آنها برخورد می‌شود» (جکسون، ۱۳۹۰: ۱۸۶). ضرورت نظم، زمانی بیش‌تر می‌گردد که اعضای جامعه بتوانند با برقراری آن (نظم) فعالیت‌های بین‌المللی خود را پشتیبانی و محافظت کنند.

باتوجه به این دو ارزش، جامعه بین‌الملل مکلفیت دارد تا از این دو هنجار بین‌المللی پاس‌داری کند و تمام دولت‌هایی که عضویت این جامعه را به‌دست آورده‌اند را وادار سازد تا به ارزش‌های جمعی و مشترک احترام بگذارند. «توجه وسواس‌آمیز به نظم<sup>۳</sup>» (گریفتس، ۱۳۹۶: ۳۱۷)، تداعی‌کننده مفهوم اطاعت‌پذیری از ارزش‌های مشترک است. در ده‌کده جهانی که رفتار و تعاملات کنش‌گران نسبت به هم‌دیگر تأثیرپذیر و تأثیرگذار است، لازم‌است تا نظم، به‌عنوان قاعده اولی برقرار باشد. سه نوع نظم

1. English school

2. State system

3. Order



در جهان سیاست لازم است؛ نظم اجتماعی<sup>۱</sup>، نظم بین الملل<sup>۲</sup> و نظم جهانی<sup>۳</sup>. نظم جهانی و نظم بین الملل در این ره یافت بیش تر مواقع ارزش مند است و تداوم آن نیازمند هم کاری اعضای جامعه است. در کنار سه نوع نظم، سه نوع عدالت هم وجود دارد: عدالت بین الملل (شامل دیدگاه دولت های حاکم و برابر)، عدالت فردی یا بشری (شامل عقایدی در مورد حقوق بشر) و عدالت جهان وطنی یا جهانی<sup>۴</sup> (مشمول بر آن چه برای جهان به عنوان یک کل درست و خوب است).

#### ۴-۲. رفتار به مثابه عضو جامعه

در کنار عدالت و نظم بین المللی، تصور این که کنش گران «در یک جامعه به سر می برند»، به عنوان یکی از اصول اساسی این مکتب شمرده شده است. نگاه به جامعه همواره به دو صورت وجود داشته: برخی جامعه را میکانیک دانسته اند و برخی ها ارگانیک. نگاه میکانیکی به جامعه، بیش تر جامعه یی را به تصویر می کشاند که تمام اجزای آن وابسته به هم دیگر و با هم آهنگی هم دیگر کار می کنند و نقص در یک بخش به معنای ناقص شدن تمام سیستم است. نگاه ارگانیکی به جامعه، یک گام فراتر از نگاه میکانیکی است، گرچه آن ها هم جامعه را همانند اجزای وابسته به هم می دانند؛ ولی در کنار آن توجه به یک سلسله ارزش هایی دارند که موجودات زنده از آن برخوردار استند. «دولت ها نه تنها کنش گر واقعی استند؛ بل که وجود عینی هم دارند و می توان به طور مشروع ویژه گی های انسانی، مانند اعتقادات، آرزوها، هویت و منافع ملی را به آن ها نسبت داد» (چگنی زاده و پور آخوندی، ۱۳۹۳: ۱۳۹).  
تجسم انسان وار از دولت به این معناست که دولت ها به عنوان عضو یک جامعه، به تر است به مثابه یک عضو رفتار کند؛ همان طوری که در زنده گی اجتماعی، اعضای جامعه تلاش می کنند خود را با شرایط و ارزش های جمعی وقف دهند، به همان میزان دولت ها هم با هر نوع ساختار سیاسی - اقتصادی، خود را به ارزش های مشترک هم سان و هم گون سازند؛ گرچه از دید واقع گرایی ساختار نظام بین الملل آنارشیک است؛ ولی باز هم کنش گران در محیط آنارشی، یک «جامعه» را پایه گذاری کرده اند. عضویت در جامعه بدون هیچ شائبه یی عضو را مکلف می سازد تا به رژیم های بین المللی احترام بگذارد. منظور از رژیم در حقیقت هنجارها و اصول پذیرفته شده بین اعضاست. «مجموعه یی از اصول، قواعد صریح یا تلویحی، هنجارها و رویه های تصمیم گیری می باشند، که به واسطه آن ها توقعات بازیگران، پیرامون موضوعات خاص با هم تلاقی نموده و خواسته های بازیگران برآورده می شود» (عسگرخانی، ۱۳۹۵: ۸۷).

1. Order in social life

2. International life

3. World order

4. Cosmopolitan

## ۴-۳. مسؤولیت

در کنار این که دولت‌ها عضو جامعه ملل محسوب می‌شوند، نمی‌توانند نسبت به مسؤولیت‌های گوناگون بی‌تفاوت باشند؛ گرچه نوعیت و اولویت‌بندی مسؤولیت‌ها را قدرت‌های بزرگ بیش‌تر تمثیل می‌کنند؛ ولی از آن‌جایی که کنش و واکنش بازیگران بر رفتار و تعاملات آن‌ها تأثیرگذار است، بازیگران تلاش می‌کنند تا نقش یک عضو مسؤول را داشته باشند.

زمانی که ماهیت روابط بین‌الملل بر مبنای مفهوم وضعیت طبیعی هابسی در نظر گرفته شود، شاخص‌ترین تمایل هر دولتی حفظ بقا به‌عنوان یک موجودیت سیاسی است. بقایی که هستی خود را در رقابت با دیگران تعریف می‌کند و این اصل را می‌توان تلاش برای اصل خودیاری<sup>۱</sup> دانست. نگاه متفاوت‌تر نسبت به آثار شیشستی بودن نظام بین‌الملل در رویکرد جامعه بین‌الملل به‌صورت ضمنی مفهوم مسؤولیت را به‌وجود می‌آورد. با توجه به مفهوم مسؤولیت بین‌المللی دولت‌مردان دارای تعهدات در سیاست خارجی هستند، که ناشی از عضویت دولت‌شان در جامعه بین‌المللی است. در حقیقت پذیرش مسؤولیت و احترام به مسؤولیت‌های بین‌المللی مصداق شهروند خوب (دولت خوب) در یک جامعه است؛ پس دولت‌ها در سه سطح مسؤولیت: ملی، بین‌المللی و بشردوستانه نسبت به سایر اعضای جامعه تعهداتی دارند.

اولین سطح مسؤولیت، که مسؤولیت ملی است، بیان‌گر این مطلب است که هر دولتی با هر نوع ساختار سیاسی، مکلفیت دارد تا پنج ارزش بنیادی: امنیت، آزادی، عدالت، رفاه و نظم را در درون تحقق بخشد و نسبت به شهروندان خود نگاه عادلانه داشته باشد. دومین سطح مسؤولیت، احترام به منافع قانونی و حقوق دیگر دولت‌ها و احترام به حقوق بین‌الملل می‌شود و سومین سطح، مسؤولیت بشردوستانه است، که «دولت‌مردان پیش از هر چیز و برای همیشه انسان‌اند و چون این‌گونه است، آن‌ها تعهدی اصولی دارند تا به حقوق بشر نه تنها در کشور خود، بل که در همه کشورهای سراسر جهان احترام بگذارند» (جکسون، ۱۳۹۰: ۲۰۴). در حقیقت این سه اصل (نظم و عدالت، رفتار به‌مثابه عضو جامعه و مسؤولیت) سایر اصول دیگر را هم احتوا می‌کند؛ همانند احترام به حاکمیت دولت‌ها و احترام به ارزش‌های حقوق بشری؛ پس جامعه بین‌الملل باید به‌عنوان یک کلیت واحد ارگانیکی، اعضای خویش را که به‌صورت طبیعی عضویت آن را به‌دست آورده‌اند، تا حدودی تحت نظارت داشته باشد، تا براساس اصول و منافع مشترک گام بردارند.

---

1. Self help

## ۵. جامعه جهانی و ارزش‌های بنیادین آن

«افراد، سازمان‌های غیر دولتی و نهایتاً جمعیت جهانی را به مثابه یک کل در نظر می‌گیرد؛ چرا که تمرکز هویت‌ها و ترتیبات اجتماعی جهانی و تحول‌گرایی، اولویت را بر نظام دولتی در مرکز نظریه روابط بین‌الملل قرار می‌دهد. تحول‌گرایی بیش‌تر در خصوص اشکال جهان‌شمول‌گرایی جهان‌گرا است» (قنبری، ۱۳۹۸: ۱۶). مفهوم جامعه جهانی و دولت جهانی واحد، بیش‌تر در نظریات ایمانوئل کانت متصور است. وی که یک نگاه اخلاقی نسبت به بشر و مسؤولیت بشر داشت، تنها راه صلح ابدی و پایدار را وجود یک دولت جهانی با یک جامعه جهانی می‌دانست، جامعه‌ی که افراد عضویت شهروند جهانی را مقدم می‌دانستند نه شهروند دولت - ملت را. کانت با نگاه اخلاقی، انسانیت را به عنوان محور اصلی برای وحدت اخلاقی که پیامدش شکل‌گیری مفهوم جهان‌وطنی<sup>۱</sup> است در نظر داشت؛ اگر بخواهیم نظریات کانت را به صورت موجز بنویسیم، در نهایت به صلح دموکراتیک خواهیم رسید. «هسته اصلی تئوری صلح دموکراتیک به آرای ایمانوئل کانت در خصوص صلح همیشه‌گی باز می‌گردد. کانت معتقد است، رسیدن به صلح همیشه‌گی، مستلزم تغییر در خودآگاهی افراد، قانون‌گرایی جمهوری خواه و قرارداد فدرالی بین دولتهاست» (عبداله‌خانی، ۱۳۹۲: ۹۸).

ظاهراً نگاه ارزشی به مسائل بین‌المللی و به عبارتی نگاه «فضیلت‌محور»، از جمله پیش‌گزاره‌های اصلی این رویکرد است؛ چون آن‌ها توصیه می‌کنند که «نظم اخلاقی، ایجاد می‌کند تا دولتها منافع ملی خویش را فدا کنند» (قوام، ۱۳۸۹: ۳۸۷)؛ ولی واقعیت چیز دیگری است. براساس ره‌یافت ریالیزم، تعقیب منافع از جمله پایه‌های اساسی روابط بین‌الملل محسوب شده، نمی‌شود نسبت به منافع ملی نگاه اخلاقی و ارزشی داشت. تضاد بین خرد دولتها و خرد اخلاقی در حقیقت، موضوعی است که طرف‌داران جامعه جهانی به آن اشاره دارند. در جامعه جهانی دولتها اهمیت دومی دارند؛ ولی در واقعیت دولتها نقش اولیه را هم بر عهده دارند. تعارض بین «اهمیت» و «نقش» دولتها به عنوان پسین و واپسین، یکی از چالش‌های فراروی جامعه جهانی است. ارزش‌های بنیادی و مفاهیم اساسی جامعه جهانی را می‌توان این‌گونه تبیین کرد:

### ۵-۱. جهان‌وطنی

«هدف آن‌ها بیش‌تر جهان‌وطنی است تا دولت‌محور؛ انسجام‌گرا هستند تا تکثرگرا و بالآخره نظریه بین‌المللی آن‌ها بیش‌تر جنبه توسعه‌گرایان و حتا هدایت‌گرایانه دارد؛ زیرا هدف‌شان تغییر جهان به شرایط به‌تر است» (جکسون، ۱۳۹۰: ۱۹۰). نگاه جهان‌وطنی به روابط بین‌الملل، موضوع تازه‌ی

<sup>۱</sup>. Cosmopolitan

نیست؛ بل که این روی‌کرد قبلاً در یونان باستان در عصر هلنیستی<sup>۱</sup> هم در بین مکاتب اخلاقی چون کلیون، رواقیون و اپیکوریان وجود داشته است. جهان‌وطنی در حقیقت نفی دولت - ملت به‌عنوان سازوکار سیاسی در ساختار سیاست بین‌الملل است؛ این‌که هرجایی از کره زمین خانه انسان است، معمولاً متأثر از باورهای سرخورده‌گی سیاسی دولت‌ها و درد و رنج بشری است، که ناشی از عمل‌کرد دولت‌ها در قبال هم‌دیگر بوده است. جهانی‌که در آن دیگر مرزهای سیاسی نمی‌تواند نوع بشر را نسبت به هم‌دیگر متمایز سازد. در حقیقت می‌توان گفت که علت شکل‌گیری مفهوم جهان‌وطنی، احساس کم‌بود دولت‌های پاسخ‌گو نسبت به نیازهای انسان‌هاست. «هیچ نهاد سیاسی جهانی که قادر باشد به نفع محروم‌ترین افراد از ثروتمندان مالیات بگیرند، وجود ندارد؛ هیچ نهاد جهانی که بتواند تضمین کند منابع عملاً به نفع افراد نیازمند خرج خواهد شد وجود ندارد. برای کاربردی‌کردن این نظریه، ظاهراً باید دست‌کم سازمانی تشکیل شود که قادر به اداره و اجرای نوعی نظام جهان‌شمول توزیع اجتماعی باشد» (گرفتس، ۱۳۹۶: ۴۶۱)؛ اگر بخواهیم مفهوم جهان‌وطنی را خلاصه کنیم، می‌توان گفت که انسان‌ها یک اجتماع جهانی ازلی یا اجتماع بشری را تشکیل می‌دهند، که بسیار مهم‌تر از جامعه دولت‌هاست.

## ۵-۲. مسؤولیت جهانی

مسؤولیت جهانی فراتر از مسؤولیت ملی و بین‌المللی است. این مسؤولیت در قبال نوع بشر است، نه سازمان‌هایی که بشر تحت عنوان دولت یا هر نهاد دیگری ایجاد کرده است. انسان، مقدم بر همه نهادهای سیاسی - حقوقی است و انسان به‌عنوان خاست‌گاه اصلی تعاملات بین‌المللی قلم‌داد می‌گردد؛ ولی پرسش عمده این‌جاست که چه کسی مسؤولیت دارد تا مسؤولیت جهانی را تبیین، کنترل و اعمال کند؟ پاسخ این پرسش تاکنون به‌صورت جمعی و توافقی ارائه نشده است؛ چون طرفداران جامعه جهانی همه چیز را به عهده خود انسان به‌عنوان موجود «آگاه انسانی» انداخته است. به روایت دیگر، مسؤولیت جهانی بیش‌تر بر عهده دولت‌های لیبرال است؛ زیرا آن‌ها ذاتاً باهم‌دیگر نمی‌جنگند؛ بل که گسترش ارزش‌های انسانی را در اولویت سیاست‌های خود دانسته است؛ ولی این باور خالی از اشکال نیست و می‌توان آن را خیلی خوش‌بینانه و ارزشی دانست. دولت‌ها ذاتاً در جست‌وجوی منافع خود هستند و تعارض منافع هم یک اصل است؛ «اما این‌طور نیست که هر فرد در هر مردم‌سالاری لیبرال، لزوماً پی‌روی ایدیولوژی لیبرال باشد. ممکن است برخی واقع‌گرای سیاسی باشند و قدرت را مهم‌تر از آزادی بدانند» (لینکلتر، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

۱. واژه هلنیستی از واژه هلنیزاسیون بر گرفته شده است، که به معنای «رفتار هم‌چون یک یونان» یا به «یونانی سخن گفتن» است. این دوره، دوره گسترش فرهنگ و زبان یونانی در سرتاسر بخش عمده‌ی از جهان باستان است.

مسئولیت جهانی، مشخصه یک جامعه جهانی منسجم است، که بر جامعه انبای بشری استوار است. نگاه آن‌ها را می‌توان در قبال مسئولیت بشری این‌گونه دانست که مردم دیگر کشورها مانند کشور خودتان انسان هستند؛ به حقوق بشر احترام بگذارید. در هنگام جنگ غیر نظامی‌ها را نجات دهید؛ اگر بخواهیم به همین دو اصل اکتفا کنیم، می‌توان گفت که مسئولیت جهانی در حقیقت مسئولیت در قبال نوع بشر است؛ نه شهروند خاص. انسان‌ها طبیعتاً موجوداتی خودآگاه استند که توانسته‌اند براساس عقلانیت، نهادهای سیاسی - حقوقی را در بستر تاریخ برای خدمت به نوع بشر بسازد، نه برای سروری و حاکمیت.

### ۶. مرجع پاسخ‌گویی به اعتراض؛ جامعه بین‌الملل یا جامعه جهانی؟

همواره شنیده‌ایم و دیده‌ایم که برخی از کنش‌گران معترض برای این که صدای خود را بلند کنند، در جست‌وجوی مرجع پاسخ‌گو و شنونده استند. مخصوصاً حکومت‌هایی که براساس روش‌های نامتعارف و غیر دموکراتیک به قدرت رسیده‌اند، تلاش می‌کنند تا برای کسب مشروعیت بین‌المللی هم‌واره مراجعی را مخاطب قرار دهند تا آن‌ها را به‌عنوان بازیگران مورد اعتماد بشناسند یا گروه‌های غیردولتی (جنبش‌های محیط زیست، اقلیت‌های مذهبی - قومی، مدافعان حقوق بشر و زنان، جنبش‌های محو سلاح‌های کشتار جمعی، نیروی‌های اجتماعی دانش‌جویی...) برای این که نظریات و امیال خود را به‌گونه مشروع و برحق جلوه دهند، تلاش می‌کنند تا در ده‌کده جهانی در جست‌وجوی کدخدا باشند. مهم‌ترین بخش این بحث این‌جاست که این کنش‌گران در حقیقت کدام مرجع را باید بیش‌تر توجه کنند؟ دیده می‌شود که جامعه بین‌الملل نسبت به جامعه جهانی بیش‌تر عینیت دارد؛ البته اگر کنش‌گران دولتی و غیردولتی می‌خواهند که افکار عمومی را با خود هم‌سو کنند، می‌توانند جامعه جهانی را مخاطب قرار دهند. کنش‌گران غیردولتی، مخصوصاً جنبش‌های مدنی از آن‌جایی که کم‌تر خواست سیاسی دارند، می‌توانند افکار عمومی جهان را با اهداف خود هم‌سو سازند تا دولت‌ها از طریق آن تحت فشار قرار گیرند؛ ولی حکومت‌هایی که در صدد خواست سیاسی هستند؛ مثل شناسایی، به‌رسمیت شناخته‌شدن، افزایش تعاملات اقتصادی، روابط سیاسی ... تلاش می‌کنند جامعه بین‌الملل را مخاطب قرار دهند، نه جامعه جهانی را.

جامعه جهانی به‌عنوان یک مفهوم انتزاعی و غیرسازمانی، نشانی مشخصی برای تقاضاهای سیاسی نیست؛ ولی جامعه بین‌الملل با اصل سلسله‌مراتب قدرت، رژیم‌های بین‌المللی، سازمان‌های بین‌المللی بیش‌تر می‌تواند نیازمندی‌های سیاسی - اقتصادی واحدهای سیاسی معترض را برآورده سازد؛ گرچه برخی از دولت‌ها برای این که سیاست سایر واحدهای سیاسی را به چالش بکشند تلاش می‌کنند تا افکار عمومی (اعضای جامعه جهانی) را با خود هم‌سو کنند، تا تغییری در سیاست خارجی

دولت‌های رقیب ایجاد کنند؛ به‌طور نمونه می‌توان به دو ارزش جهانی صلح و امنیت اشاره کرد. «جنگ پدیده‌ی نامطلوب است و وقوع آن نیاز به توجیه دارد؛ در صورتی که صلح احتیاج به توجیه ندارد» (قوام، ۱۳۸۹: ۳۹۰). برای این که بتوان دولت‌ها را وادار کرد تا صلح و امنیت بین‌الملل را حفظ کنند، لازم است تا جامعه جهانی مخاطب قرار گیرند؛ چون این افکار عمومی است که رفتارهای سیاسی را مذموم و درست ترسیم می‌کنند؛ اما هنگامی که مانع از بی‌نظمی توسط یکی از اعضای جامعه بین‌المللی شود، لازم است تا مخاطب جامعه بین‌المللی قرار گیرد، نه جامعه جهانی؛ زیرا مسؤولیت بین‌المللی جامعه بین‌الملل است تا نظم را برقرار سازند.

ظاهراً نگاه متفاوت نسبت به دو مفهوم جامعه جهانی و جامعه بین‌الملل می‌تواند کنش‌گران معترض را نسبت به آن چه وجود دارد آگاه‌تر سازد؛ اما عینی‌ترین حقیقت این است که حافظ و بانی جامعه بین‌الملل قدرت‌های بزرگ هستند، تا بازیگران غیردولتی یا دولت‌های پیرامون<sup>۱</sup>. واقع‌گرایانی چون کنت والتز، به این امر واقف اند که قدرت‌های بزرگ، مدیریت سیستم‌های بین‌المللی را برعهده دارند و اگر آن‌ها در مدیریت نظام بین‌الملل ناکام شوند، مورد انتقاد قرار می‌گیرند. «از آن‌جایی که قدرت‌های بزرگ سود بیش‌تری از سیستم بین‌المللی می‌برند؛ بنابراین، نه تنها مدیریت سیستم‌های بین‌المللی بر آنان لازم است، بل که ارزش‌مند نیز می‌باشد» (جکسون، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

## ۷. مناقشه

غالب نویسندگان و تحلیل‌گران هنگام به‌کارگیری اصطلاح جامعه جهانی و جامعه بین‌الملل، تفکیکی قائل نمی‌شوند و هر دو را برای موضوعات مشابه به کار می‌برند؛ گرچه جامعه جهانی و جامعه بین‌الملل هر دو متعلق به مکتب جامعه بین‌الملل است؛ ولی نگاه عینی و تیوری نسبت به این دو مفهوم، مغفول مانده است و مرجع‌دانستن جامعه جهانی در خواست‌های سیاسی از سوی کنش‌گران، تداعی‌کننده اغماض در مفاهیم عینی است. با توجه به آن چه نگارش یافته است، دو مفهوم جامعه بین‌الملل و جامعه جهانی بیش‌تر اوقات هم‌تراز استفاده شده؛ ولی در مصداق‌های عینی، نمی‌توان چنین هم‌سویی را یافت؛ چون در جهان عینی کنش‌گران برای رسیدن به اهداف خود متوسل به مراجعی می‌گردند، که بتواند خواست‌های آن‌ها را برآورده سازد. نگاه مشابه به جامعه جهانی و جامعه بین‌الملل، فهم و درک ما را نسبت به ماهیت سیاست بین‌الملل کاهش می‌دهد.

<sup>۱</sup> اصطلاح مرکز، شبه پیرامون و پیرامون ناشی از نظریات امانوئل والرشتاین، نظریه‌پرداز اقتصاد سیاسی بین‌المللی است.

## ۸. نتیجه گیری

جامعه جهانی و جامعه بین الملل در گفت‌مان سیاسی به صورت هم‌تراز استفاده می‌شود؛ ولی اساساً این دو مفهوم از لحاظ کاربردی و هدف‌انگاری برای کنش‌گران معنای متفاوتی داشته است. دولت‌هایی که از قدرت و سلطه برتر برخوردارند، در حقیقت بانی و مسوول اصلی حفظ نظم در روابط بین‌الملل قلم‌داد می‌گردند و آن‌ها روابط خود را بیش‌تر متکی به سیاست قدرت تعریف کرده‌اند؛ به عبارت دیگر، کنش‌گران معترض در چنین محیطی مجبور اند که مراجع خاصی را برای اعتراض در نظر گیرند. بازیگران دولتی برای این‌که بتوانند منافع و خواست‌های سیاسی خود را تحقق بخشند، تلاش می‌کنند تا تعامل بیش‌تری با جامعه بین‌الملل داشته باشند و مرجع‌انگاری، جامعه جهانی را در اولویت دوم خود در نظر گرفته‌اند؛ ولی بازیگران غیردولتی، جامعه جهانی را هم‌سان با افکار عمومی دانسته و برای این‌که بتوانند روی‌کرد و رویه‌های دولت‌ها را نسبت به موضوع خاصی تغییر دهند، به آن استمداد می‌جویند.

در ریافت جامعه بین‌الملل، نسبت به دو مفهوم اشاره‌شده، یک نگاه وجود دارد؛ ولی در مصداق‌های عینی سیاست بین‌الملل، هر یک از آن‌ها کار ویژه خاص خود را دارند. در جامعه دولت‌ها، کنش‌گران غیردولتی توانسته‌اند با مرجع‌انگاری جامعه جهانی در سیاست‌های دولت‌ها تأثیر بگذارند؛ مخصوصاً جنبش‌های سبز و جنبش‌های مدنی. باید پذیرفت که محیط بین‌الملل براساس یک سلسله اصول و هنجارهایی بنا یافته و هیچ بازیگری نمی‌تواند به صورت خودمحرور اقدام نماید. معتقدان به این اصل، همواره تلاش کرده‌اند تا جامعه بین‌الملل را هم‌سو با خود، و از جامعه جهانی به‌عنوان ابزار فشار استفاده کنند؛ پس دو مقوله متذکره برای بازیگران عرصه بین‌المللی خاست‌گاه متفاوت دارد و توجه به این موضوع، باعث می‌گردد تا تحلیل‌گران، کنش‌گران و سیاست‌گذاران در تبیین سیاست خارجی به نشانی‌های درست‌تر خواست‌های خود را تقاضا کنند. از آن‌جایی که سیاست دولت‌ها، همواره موردپذیرش عموم نیست، کنش‌گران غیردولتی می‌توانند بدون مرجع‌انگاری دولت‌ها، به‌عنوان تنها بازیگران بین‌الملل، افکار عمومی جهانی را برای تغییر، اصلاح و تعدیل سیاست دولت‌ها بسیج سازند.

ORCID

Alireza Ansary Kargar



<https://orcid.org/0009-0006-8312-5010>

## سرچشمه‌ها

۱. جکسون، رابرت؛ سورنسون، گئوریک. (۱۳۹۰). **درآمدی بر روابط بین‌الملل**. ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده و حسن سعید کلاهی. چ سوم. تهران: نشر میزان.
۲. چگنی‌زاده، غلامعلی؛ پوراخوندی، نادر. (۱۳۹۳). «جامعه‌پذیری دولت در نظریه‌های روابط بین‌الملل». ایران: مجله مطالعات راه‌بردی. ۳ (پیاپی ۶۵). صص: ۱۳۶ - ۱۷۰.  
<<https://dorl.net/dor/20.1001.1.17350727.1393.17.65.5.6>>
۳. روسو، ژان ژاک. (۱۳۹۰). **قرارداد اجتماعی**. ترجمه سعید حبیبی. تهران: ابر سفید.
۴. عسگرخانی، ابومحمد. (۱۳۹۵). **رژیم‌های بین‌المللی**. تهران: خرسندی.
۵. عبدالله‌خانی، عبدالله. (۱۳۹۲). **نظریه‌های امنیت**. چ دوم. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۶. قنبری، سمیه. (۱۳۹۸). «مفهوم جامعه بین‌الملل و تلاش برای پیوند میان حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل». ایران: مجله مطالعات بین‌المللی. ۱ (پ ۶۱). صص: ۳۰ - ۷۱.  
<<https://doi.org/10.22034/isj.2019.93074>>
۷. قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۹). **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**. چ شانزدهم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانش‌گاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۸. کونگ، هانس. (۱۳۸۹). «اخلاق جهانی به مثابه بنیانی برای جامعه جهانی». ترجمه سیدحسین شرف‌الدین. ایران: مجله معرف اخلاقی. ۲(۱). صص: ۱۴۶ - ۱۱۵.  
<<http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/49>>
۹. گریفتس، مارتین، روچ، استیون، سولومون، اسکات. (۱۳۹۶). **پنج‌گانه متفکر بزرگ روابط بین‌الملل**. ترجمه علیرضا طیب. چ چهارم. تهران: نشر نی.
۱۰. لینکلینتر، آندره. (۱۳۸۷). **صلح لیبرالی**. ترجمه علیرضا طیب. چ دوم. تهران: وزارت امور خارجه. مرکز چاپ و انتشارات.
۱۱. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۳). **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**. چ نهم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانش‌گاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۱۲. والتز، کنت. (۱۳۹۸). **انسان، دولت و جنگ تحلیل نظری**. ترجمه محمدرضا رستمی. تهران: نشر ثالث.



## References

1. Jackson, Robert and George Sorenson. (2011). **introduction to International Relations**. Translation by: M Zakerian, A. Taghizadeh and H.S.Kolahi, Tehran: Mizan Legal Foundation. (Persian).
2. Cheginizadah, Gholamali; Poorakhondi, Nader. (2014). "**Stare Socialization in International Theories**". Iran: Journal of Stratigic Studies, Volume: 17 Issue:3, pp 135 – 170. <<https://dorl.net/dor/20.1001.1.17350727.1393.17.65.5.6>>.
3. Rousseau, Jean Jacques. (2011). **the Social Contract**. Translation by: Saeed Habibi. Tehran: Abra Safid Publisher. (Persian).
4. Asgar Khani, Abomohammad. (2016). **International Regimes**. Tehran: Khorsandi Publisher. (Persian).
5. Abdollahkhani, Ali. (2013). **Security Theories**. second printing, Tehran: Tehran International Studies& Research Institute. (Persian)
6. Ghanbari, Somaye. (2019). "**The Concept of International Society and Attempet to Link International Law and International Relations**". Iran: International Studies Journal, Volume:16. Issue: 1. Pp 7 – 30.
7. Ghavam, Abdol – Ali. (2012). **Principle of Foreign policy and International Politics**. The sixteenth printing, Tehran: SAMT. (Persian)
8. Kong, Hans. (2010). "**Global ethics as a foundation for the global community**". Translated by: Sayyid Husayn Sharaf-ud-Din. Iran: Marrifat – i Akhlaqi, vol.2.No.1, pp 115 – 146 <<http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/49>>.
9. Griffiths, Martin. Roach, Steven. Solomon, M. Scott. (2017). **Fifty key Thinkers in International Relations**. Translated by: Alireza Tayyeb, fourth printing, Tehran: Nashr – e Ney. (Persian).
10. Linklater, Andrew. (2008). **The Liberal Peace**. Translated by: Alireza Tayyeb, second printing, Tehran: Institute for Political and International Studies.
11. Moshirzadeh, Homeria. (2014). **Development in International Relations Theories**. ninth printing, Tehran: SAMT.
12. Waltz, Keneeth. (2019). **Men, the state and War. a theoretical Analysis**. Transtated by: Mohammad Reza Rostami. Tehran: Sales Publication.